

در منطق علم جدید، همواره موضوع "قدرت" از اهمیت بالایی برخوردار بوده است. مثلا موريس دوورژه، جامعه‌شناس مطرح فرانسوی، سياست را "علم قدرت" تعريف کرده است و امروزه "قدرت" جزو لاینفک سياست اعم از سياست داخلی و خارجی است، به طوری که برخی از اندیشمندان، اساسا سياست را علم کسب، حفظ و بسط قدرت می‌دانند. به همين دليل، خوب یا بد، در جهان امروز، کشورها به میزان قدرتی که دارند، در ساختار نظام بین‌الملل جایگاه و رتبه پیدا می‌کنند. پس لاجرم در چنین محیطی، تنها کشورهایی ادامه‌ی بقا و پیشرفت خواهند داشت که از "قدرت" بیشتری برخوردار باشند.

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه / سال پنجم / شماره ۷۰۵ / دو شنبه ۲۸ آبان ۱۳۹۷

چه خبر از پرونده برادر روحانی و جهانگیری

جام جم / سخنگوی فراکسیون نمایندگان ولایی گفت: پرونده برادر رئیس جمهور و برادر معاون اول در حال انجام است ولی زمان بر بوده و نیازمند تحقیقات بیشتری است ولی در حال رسیدگی است. سید حسین نقوی حسینی گفت: پرونده برادر رئیس جمهور و برادر معاون اول در حال انجام است ولی زمان بر بوده و نیازمند تحقیقات خیلی بیشتری است ولی در حال رسیدگی است همچنین پرونده دریافت زمین محمد جواد لاریجانی، یک بار در زمان آیت الله شاهرودی و یک بار هم در زمان آیت الله آملی بررسی شده و در هر دو بار بدون وقوع جرم مختومه شده است.

این نماینده مردم در مجلس دهم ادامه داد: اژه ای با اشاره به اعدام دو مفسد اقتصادی به دلیل خرید و فروش ارز و سکونت بلکه به علت افساد و اختلال اقتصادی است، گفت که این دو مفسد با اقدامات خود، نظام اقتصادی کشور را دچار مشکل و اختلال کرده اند و میلیون ها نفر از ملت ایران را دچار مشکل در زندگی کرده اند چرا که او قاچاق ارز و سکه کرده بود و این موارد دقیق در حکم آن ها آمده است.

وی ادامه داد: اژه ای همچنین تصریح کرد که اینکه یک مقام دولتی اعم از رئیس جمهور یا معاون اول و هرکس دیگری تصمیم به واگذاری ارز و سکه در آن شرایط کرده، اولاً باید بررسی شود که آیا این تصمیم درست بوده و یا غلط و در ثانی چه کسی باید برای قوه قضائیه این موضوع را اعلام کند تا قوه قضائیه بیند جرمی اتفاق افتاده یا خیر؟

نقوی حسینی در ادامه تصریح کرد: اژه ای اشاره داشت که ما به بخشی از این اقدامات می توانیم ورود کنیم که تخلف شده و جرمی صورت گرفته ولی در زمینه سیاست گذاری ورود نکرده ایم ضمن اینکه قوه قضائیه عوامل اصلی و موثر در این تخلفات بانک مرکزی اعم از معاون، مدیرکل حراست و غیره را دستگیر کرده و حداقل ۹ نفر بازداشت و ۵ نفر تحت تعقیب هستند بنابراین در برخورد با جرم و مجرم با هیچ مقام و جایگاهی تعارف نداریم و قوه قضائیه قطعا ورود کرده و برخورد می کند. وی گفت: اژه ای گفته است که ظریف در مورد پولشویی باید توضیح دهد و اسناد خود را ارائه کند که اینجانب نامه نوشته و گفته ام که اگر این جملات از سوی ایشان است، توضیحات و اسناد وی اخذ شود.

تحلیل دیر هنگام سعید حجاریان

آرمان امروز / یک نظریه پرداز اصلاح طلب در خصوص راه جایگزین برای مسیر طی شده دولت عنوان کرد: قصد اصلاح طلبان این بود، با انتخاب روحانی به مردم فرصتی برای تنفس داده شود و سیلی را که پیش بینی می شد بعد از هشت سال فعالیت دولت معجزه بر سر مردم آوار شد، کنترل کند. لذا از شعارهای اصلی خود یعنی پیگیری بی تنازل دموکراسی، موقتا دست کشیدند تا اوضاع بسامان شود. ایسنا نوشت، سعید حجاریان گفت: ما اگر می دانستیم از جانب نیروهای تمامت خواه این همه سنگ پیش پای روحانی خواهد افتاد و از آن سو، دولت دست راستی مانند ترامپ بر سر کار خواهد آمد، شاید بهتر بود اساسا عطای انتخابات را به لقایش می بخشیدیم و سرنوشت اصلاحات را به دولت روحانی گره نمی زدیم. نه اینکه بخواهم، تنزه طلبی کنم، اما خود دولت روحانی هم استعداد و ظرفیت کافی برای مقابله با معضلات داخلی نداشت. بنابراین ما به لحاظ اخلاقی هم نمی توانستیم وظیفه ای در قبال وی داشته باشیم. وی در خصوص طرح اصلاح اصلاحات یا پوست اندازی این جریان ابراز کرد: من قبلا در این باره توضیح داده ام که اصلاحات به قفا بنگرد و راه طی شده را یکبار مرور و آن را نقد کند. ما حتما نیاز داریم در سه زمینه گفتمان، تشکیلات و راهبرد دست به ابتکارهای جدید بزنیم و پوست اندازی کنیم. البته معتقدم پوست اصلاحات را کنده اند پس، ابتدا باید صبر کنیم تا پوست جدید در بیاید و بعد پوست اندازی کنیم! حجاریان با اشاره به شعار اعتراضات سال ۹۶ در خصوص پایان ماجرای اصلاح طلبان افزود: من بعید می دانم، قاطبه مردم اساسا با این اصطلاحات آشنا باشند؛ چه برسد به آنکه هر دو را نفی کنند. بخش عظیمی از مردم، گرفتار مشکلات معیشتی شان هستند و شعارهای مذکور در مقطعی از زمان در میان بخشی از ایت های جامعه سر داده شد و توسط رسانه های مجازی بازتاب پیدا کرد.

حجاریان ادامه داد: در میان جناح راست، گوش شنوا از بالادستان بیشتر است، مانند شورای دوم تا چهارم که می دیدیم برون خموش و درون پر غوغا بود. اما برعکس، اصلاح طلبان آنچه را دارند، روی دایره می ریزند و به همین دلیل، گزک به جناح رقیب می دهند تا این اختلافات را آگراندیسمان (بزرگ نمایی) کنند و استفاده خود را ببرند. در کنار این موارد، مشتی خناس هم با لطایف الحیل سعی در برهم زدن آرامش دارند و از هر کاهی، کوه می سازند و البته، ابزارش را هم دارند. مشاور رئیس جمهور در دولت اصلاحات در خصوص تاثیر رفتار دولت بر ناامید شدن اصلاح طلبان افزود: دولت اساسا عقدی با اصلاح طلبان منعقد نکرد که بخواهد از آن عبور کند. یعنی در سال ۹۲، به قدری فرصت کم بود که اصلاح طلبان با دولت بر سر موضوعات خاص به ائتلاف پرداختند و از این گذشته، روحانی برنامه ائتلافی نداشت. وی در خصوص احتمال پیوستن اصلاح طلبان به جریان برانداز تصریح کرد: همواره امکان جابه جایی وجود دارد. حجاریان ادامه داد: اما من معتقدم، ریزش جدی از سمت اصولگرایان به سمت جریان اصلاحات صورت خواهد گرفت، کما اینکه تاکنون این گونه شده است؛ پس از ظرف اصلاحات چیزی کم نمی شود.

خواب سنگین دولت

ابتکار / اگر تا دیروز فقط یک جریان از دولت انتقاد می کرد امروز شاهد انتقاداتی از سوی دیگر جریانات و در کل بدنه اجتماعی هستیم که از دولت روحانی تمام قد حمایت کرد. آنها از عملکرد دولت در حوزه های مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ناراضی هستند و در تلاش هستند که دولت را در این شرایط بحرانی کشور که در واقع در جنگ اقتصادی به سر می بریم از خواب سنگینش بیدار کنند. در واقع دولت روحانی آن دولتی نشد که همگان انتظارش را داشتند. بدنه اجتماعی که تمام قد از روحانی حمایت کرد این روزها با انتصابات و چینش کابینه و سپس تصمیمات دولت در راستای محقق نشدن وعده های انتخاباتی اش به کل ناامید شده است. بخشی از این انتقادات به ضعف و انفعال دولت برمی گردد و بخشی دیگر بیشتر به تصمیم گیری ها و تصمیم سازی های دولت در حوزه مدیریتی کشور مربوط می شود.

چه عواملی باعث شد که بدنه اجتماعی حامی دولت اینگونه سرخورده و ناامید شود. با توجه به شرایط ویژه اقتصادی و بین المللی که کشور با آن روبه رو است انتظار می رود دولت در تصمیم گیری ها سرعت بیشتری داشته باشد و خیلی قاطع در مواجهه با مشکلات برخورد کند. اما به نظر می رسد دولت خود خیلی راغب نیست و دچار نوعی کرختی و به صورت کاملاً منفعل عمل می کند. عبدالله ناصری، فعال سیاسی اصلاح طلب در این رابطه به «ابتکار» گفت: در سه وجه می توان به این سوال پاسخ داد. آنچه که می توان به عنوان عامل اول در نظر گرفت، این است که آقای روحانی در روند مذاکرات هسته ای یا نتیجه مذاکرات، تصویر واقعی و روشنی از نتیجه و فرآیند آن نداشتند. گمان آقای روحانی ظاهراً این بود که با امضای برجام بخش اعظمی از مشکلات داخلی و بین المللی کشور حل خواهد شد. اگر به یاد داشته باشید در همان زمان مذاکرات بسیاری از کنشگران و نخبگان سیاسی، طرفداران گفتمان اصلاح طلبی و گفتمان رای انتخابی آقای روحانی به ایشان و تیم آقای روحانی گوشزد کردند که همه چیز را در سبد برجام نگذارید. البته منظورم از تیم آقای روحانی در واقع تیم دفتر یا نهاد ریاست جمهوری و علقه خود آقای روحانی است نه تیم مذاکره کننده هسته ای.

عبدالله ناصری در ادامه افزود: وجه دوم این است که به نظر می رسد آقای روحانی هیچ تعریف روشنی از ساختار قدرت در چارچوب های جدید شکل گرفته مثلاً از ۸۴ به این طرف و در کانون های مختلف و هسته های قدرتمند شکل گرفته ندارد. در واقع یک تحلیل درست می تواند خیلی از مسائل را در داخل حل کند. وجه سوم، آن فضای ناامیدی و یاسی است که به طور فراگیر و اجتماعی در گرایش های سیاسی و جناحی در جامعه شکل گرفت که در واقع علت آن هم این بود که آقای روحانی از سال ۹۲ به این طرف به گفتمان انتخاباتی و کارزار انتخاباتی خود اصلاً توجهی نکرد.

«دولت پیوستن» و نرمالیزاسیون از بیرون

جوان / وزیرای خارجه و نفت در نامه ای خواستار پیوستن ایران به معاهده ای شدند که امریکا سال گذشته از آن خارج شد. CFT یا معاهدات چهارگانه FATF هم نمونه ای از ده ها معاهده ای است که دولت دل در گرو پیوستن به آن برای حل مشکلات کشور دارد.

برای دولت مستقر نام‌های متفاوت و متضادی در فضای محاوره‌ای کشور استفاده شده است که از بار ارزشی منفی و مثبت برخوردارند. برخی را خود دولتیان و بخشی را منتقدین نامگذاری کرده‌اند که می‌توان از جمله به: «دولت اعتدال»، «دولت تدبیر و امید»، «دولت اصلاحات»، «دولت پیرها»، «دولت میلیاردرها»، «دولت بی‌ایده»، «دولت تکنوکرات»، «دولت توسعه‌گرا»، «دولت بروکرات»، «دولت غربگرا»، «دولت غیرانقلابی»، «دولت حرف» و... اشاره کرد.

دقت در حوزه نگرشی دولت نشان می‌دهد جای نام «دولت پیوستن به...» در بین گزاره‌های بالا خالی است، دکتر روحانی راه علاج کشور را کلاً در دو مقوله سرمایه‌گذاری خارجی و هضم شدن در معاهدات بین‌المللی می‌داند و تاکنون کمتر به رهیافت‌های داخلی اشاره کرده است.

وزیر خارجه آمریکا بارها اعلام کرده است هدف از تحریم‌ها علیه ایران «عادی کردن رفتار این کشور است» و، اما در داخل در سال سوم دولت روحانی، جناب حجاریان در مقاله‌ای نوشتند که پس از دو سال صبر و سکوت می‌خواهم به دولت ایده‌ای بدهم و در نوشته خود وظیفه دولت روحانی را اجرای نرمالیزاسیون در ایران دانستند و در تفسیر چیستی نرمالیزاسیون نوشتند که روحانی باید ایران را از یک کشور انقلابی به حالت عادی برگرداند. این توصیه مسیر جدیدی در ادامه مسیرهای ناکام، استحاله پارلمانی، فشار از پایین، مشروعیت‌زدایی، خودکم‌پنداری بین‌المللی، تحقیر عزت ملی و... بود. حال به نظر می‌رسد روحانی نتوانست یا نخواست مأموریت بازگرداندن انقلاب اسلامی به حالت عادی را انجام دهد. بنابراین پیوستن به معاهدات چهارگانه FATF، ۲۰۳۰ و قبلاً کنوانسیون زنان (مجلس ششم) روشی نوین برای حذف روح اسلام انقلابی در ایران است که با نعل وارونه آن را گره‌گشایی از مشکلات کشور معرفی می‌کنند. معاهدات مذکور فقط فتح سنگر به سنگر را از داخل به بیرون منتقل می‌کند و بس. استحاله حقوقی - پارلمانی داخلی را به استحاله حقوقی - بیرونی شیفت داده‌اند و تمام.

از منظر روشنفکران به صحنه نگاه کنید. آنان که منافع ملی ما را فدای ایدئولوژی معرفی می‌کنند اکنون باید پاسخ دهند چرا امریکای ترامپ که غیر ایدئولوژیک به صحنه می‌نگرد و یک دلار هم در محاسبه‌اش لحاظ می‌شود از معاهدات بین‌المللی همچون یونسکو، معاهده پاریس، سازمان حقوق بشر، برجام و... خارج می‌شود؟ اما ما که نگاه ایدئولوژیک داریم باید به آن پیوندید؟ روشنفکران این تناقض را چگونه پاسخ می‌دهند؟

خانه بازیگر فیلم ضدایرانی "۳۰۰" در آتش سوخت

